

[Afghanistan Digital Library](#)

adl0788

<http://hdl.handle.net/2333.1/pzgmisc0s>



This is a PDF version of an item in New York University's Afghanistan Digital Library (<http://afghanistandl.nyu.edu/>). For more information about this item, copy and paste the "handle" URL above into a web browser.

When referring to or citing this item please use the "handle" URL and not this document or the URL from which you downloaded it.

All works presented on New York University's Afghanistan Digital Library website are, unless otherwise indicated, in the public domain. The images available on this website may be freely reproduced, distributed and transmitted by anyone for any purpose, commercial or non-commercial.

NYU Libraries, Digital Library Technical Services, dlts@nyu.edu

مجلس شورای ملی



۱۶۰

فیصله جرگه منعقدۀ
سمت جنوبی

که در سال ۱۳۱۲

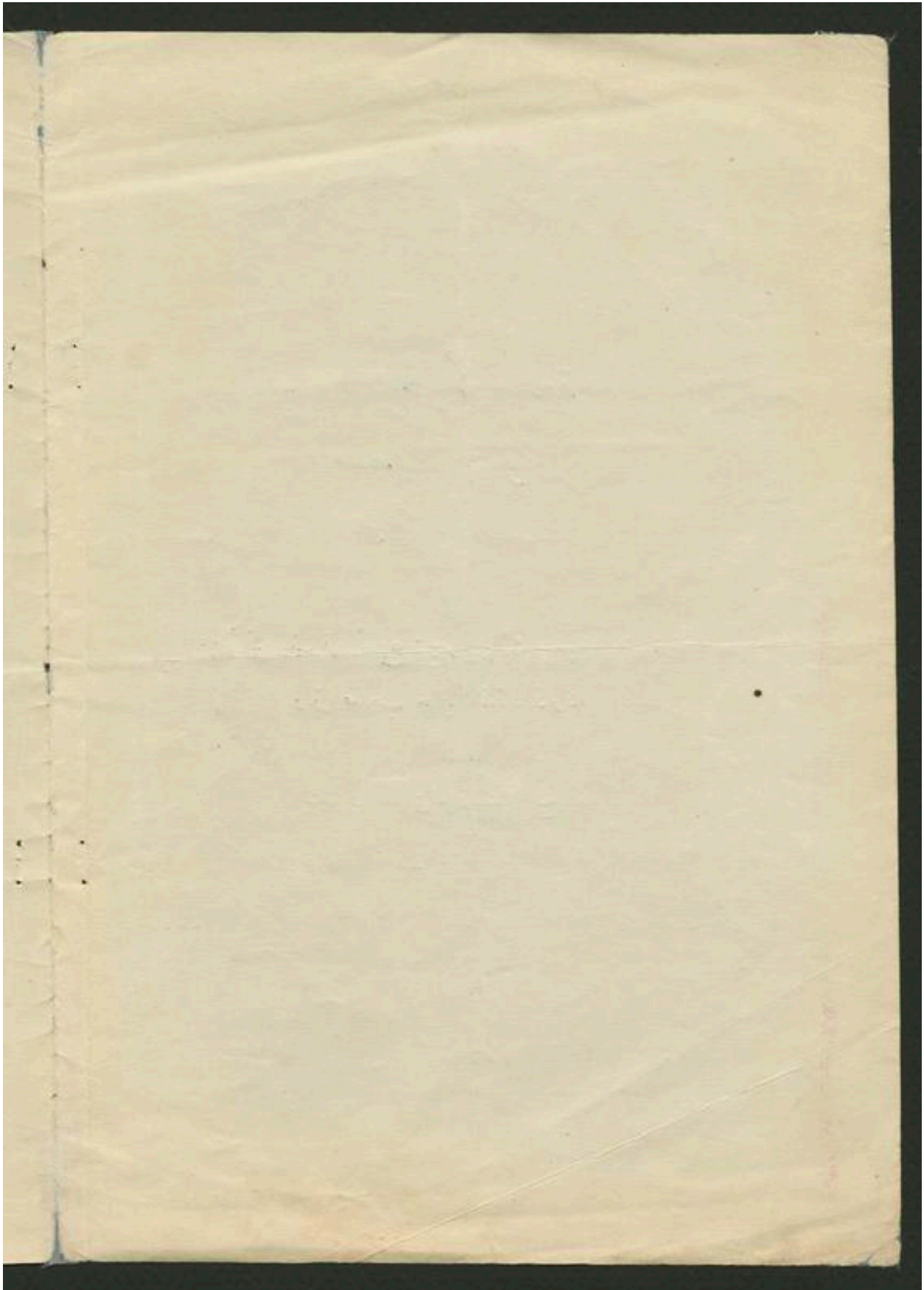
حین تشریف فرمائی ع. ج. ا. ا. نشان سپه - الارغازی
و زیرصاحب حربیه انعقاد پذیرفته

بتصویب حکومتی اعلائی جنوبی طبع شد

اسد ۱۳۱۲

(۱۰۰۰) جلد

تعداد طبع



تمهید

درینوقت که عالیقدر جلالآب المر اعلی نشان شاه محمود خان سپهسالار وزیر جریده در سمت جنوبی تشریف دارند ملکان و تمام وکلای اقوام بحضور شان در گردیز مشرف گردیده بغرض تنظیم امورات و رفع اشکالات آینده خود چنین عرض و استدعا نمودند که يك جرگه عمومی انعقاد داده در جرگه مذکور پیشنهاد های مفیده را مطرح مفاکره قرار بدهند و هر يك پیشنهادیکه از طرف جرگه رأی و یا بالته دلیل نظیر و قبول شود آنرا بصورت يك ماده تصویب نموده برای اینکه اقوام در حال و مآل آنرا مرعی دارند متعدداً و متعدداً امضا نمایند، چون جرگه مذکور با حضور وزیر معظمه انعقاد و در آن مواد نافعه بحث و تصویب گردیده است لذا برای اینکه يك نسخه از قرار های این جرگه بزرگ وکلای شامل جرگه و دیگر ارباب ذوق برسد حکومت اعلای سمت جنوبی آن را بصورت يك لایحه ترتیب و طبع نمود تا در دسترس عامه بوده هر که میل داشته باشد از آن استفاده نماید.

ماده

(۱) نسبت با امنیت سمت جنوبی راجع باتفاق عمومی و رفع اخلاق بعضی واقعه .
فصله جرگه :

چون حکومت حاضره عالیله ما خواهان اتفاق و امنیت جمله افغانستان خصوصاً ما اقوام سمت جنوبی میباشد نسبت باتفاق ، اول چون سال گذشته وکلای همه اقوام ما بکابل بشرقیای حضور مبارک شاهانه رفته بودیم نسبت باتفاق عمومی بین اقوام و صداقت به حکومت عادلانه خود بر روی قرآن پاک عهد کرده بقرآن پاک مهر و دستخط کرده ایم حال هم همان عهد خود پا بند بوده و میباشد اگر کدام قوم و یا شخص خلاف همان عهد قرآن پاک بخمال بگذراند دشمن همه ما میباشد و همه ما بدست جمع آن شخص یا قوم را سزا میدهم باقی در باب امنیت الحمد لله حکومت و علاقه داری در ملک بهر حال موجود است ما اقوام برای اجرای هر گونه اوامر حکومت آماده و مطیع هستیم ، در هر فریه و قوم و موضع که مسائل خلاف امنیت ظاهر شد ملایان اقوام در کمک و معاونت

آن بحکومت حاضر و آماده هستیم که شخص فاعل آن را فوری بحکومت تسلیم نمایم
تا از آن بازخواست کرده شود .

(۲) اشخاصیکه مشبه باشند و از خارج در بین یکی از اقوام آمده قوم را بدنام و خود را واپس فرار
مینمایند ، برای جلوگیری آن يك سد لازم است ، اشخاصیکه به تغير لباس برای شیطنت
در بین اقوام آمده زیست میکنند تعقیب حرکات شان کرده شود تا فرضانه به این لباس ها
داخل ملک نشود .

فیصله جرگه اینک :

اگر شخصی از خارج قوم و یا از خارج مجال و وطن ، در بین يك قوم یاقریه پیدا شود
خواه دوست حکومت باشد و یا دشمن و بد خواه آن فوری این چنین اشخاص را
بحکومت تسلیم می کنیم تا حکومت علم آوری و تحقیقات کرده فراریکه لازم بداند درباره اش
امر خواهند فرمود اگر نکردیم مسؤل و مستوجب بازخواست میباشیم .

(۳) کسانیکه در بین اقوام پرو پا کنند میکنند برای اسد اد آن يك تدبیر لازم است که اقوام بنمایند .
فیصله جرگه :

اگر شخصی در بین ما اقوام پرو پا کند خود آن شخص را گرفته نگاه می کنیم و علم ی آوریم
که اگر حرف مذکور صحت بر آید و یا از قسم غلطی و شیطنت بود بهر دو صورت شخص مذکور
را بحکومت تسلیم می کنیم تا حکومت بازخواست لازمه بدارد .

(۴) در خصوص نهانه داران و اصول و وظائف شان که کار بدرستی از آن ها گرفته شود چه نوع
اقدامات شود .

فیصله جرگه اینک :

وظیفه نهانه داران تمدن بحکومت است که تعین نماید و در باب ملازمت شان ما اقوام نهانه
داران را به تعدادیکه از طرف حکومت منظور شود از طرف قومی به بیاماد شش ماه در شش ماه
تعین کرده بحکومت میدهم و حکومت بهر فراریکه لازم بداند از اوشان خدمت بگیرد
و تماماً نهانه داران مسؤل و ذمه وار است که اینهای و وظائف خود را قراریکه از طرف حکومت
برای شان تعین شود بدارند .

(۵) در خصوص دعوی های گذشته به اصول جرگه قومی حل و فصل آن کرده شود ، تفصیل آن
بوقت فیصله جرگه تحت تحریری آید . - فانی و معنی همان عمل شامل هیت میباشد باعبرم .

فیصله جرگه اینکه :

چون دعوی هائیکه از گذشته مانده برای فیصله کن یک هیئت که دو نفر از اشخاص متدین هر قوم باشند مقرر شوند مثلاً یک هیئت برای فیصله دعوی اقوام حاجی و چکنی و مقبل و دندویطان - و یک هیئت به منگول موی خیل جان خیل جایی میدان و خوست - یک هیئت بجدران و خروئی و ارگون و وزیر - یک هیئت بگردیز و زرمت و احمدزائی نغزائی و طوطاخیل، و دره و زاهو و غیره لمحات آن باشند که در هر هیئت دو نفر از جدرائی، و دو نفر از احمدزائی و دو نفر از منگول و دو نفر از چکنی، و دو نفر از طوطاخیل، و دو نفر از دره و زاهو و غیره، و دو نفر از مقبل و دندویطان، و دو نفر از زرمی، و دو نفر از گردیزی، و دو نفر از گونی و دو نفر از خروئی، و دو نفر از خوستی و هم از هر قوم پنج پنج نفر بقسم از یکی با هر هیئت مذکور باشد.

این هیئت ها که تعیین شدند یک یک نفر از طرف حکومت بقسم نمایند باوشان مقرر باشد و فیصله که میشود قاضی و منفی هر حال هم باوشان باشد اشخاصی که دعوی دارند اگر قرار فیصله قومی دعوی خود را فیصله می نمودند بضرر همین هیئت فیصله میکنند و اگر قرار دینی خواستند داشته باشند به محکمه شرعیه دعوی خود را فیصله کنند و اگر با مرض دعوی نمی گردند مدعی برای مدعی علیه خود ابراء خط شرعی بدهد تا از دعوی های گذشته برای آینده نفاذت نماید و بهر دو صورت که دعوی فیصله میشود فیصله خط های شرعی داده شود - اگر دو تنی شخصی از دعوی گذشته دعوی نمود و باعث مدعی داری گشت از آن پندان اشخاص باز خواست کرده شود .

(۶) در خصوص کسانی که قاتل و یا مجرم گفته میشوند و خود را فرار میکنند ، یک قید گذاشته شود که مجرم دستبند گردیده بجزا برسد .

فیصله جرگه اینکه :

قاتل و یا مجرم که فرار کند اولاً از طرف حکومت تمامه بکلیه برایش میعاد گذاشته شود که حاضر گردیده شرعاً دعوی خود را فیصله کند و تا این موعده مال و هستی آن هیچ مزاحمت نشود و اگر حاضر نشد مال و ملک قاتل و مجرم مذکور ضبط و بالای قلم آن فروخته و به قیمت آن تحویل خزانه کرده شود و هم قاتل و مجرم بهر وقت که دستگیر شود اصولاً و شرعاً از او باز خواست کرده شود و کسانی که در زمان فرار بودن قاتل و مجرم برایش نان و چای بدهد و یا بکشت و اضافه تر آن را نگاه کند این شخص هم مجرم گفته میشود قراریکه فوقاً بقاتل و مجرم معامله میشود عیناً با شخص نگاه کننده و پناه دهنده قاتل هم همین معامله شود .

(۷) مجرم و ملزمی که فرار کرده بخانه يك شخص دیگر پناه می رند یا شخص مجرم پناه دهنده چه معامله شود .

بناده شش این معامله فیصله شده .

(۸) اگر در یک قریه قتل واقع گردد اهالی مقتل جای اصل قاتل را بدست خواهند داد و یا هفت هزار جریمه بخانه تحویل خواهند کرد .
فیصله جرگه :

اگر در يك قریه قتل واقع شود اهالی مقتل جای اصل قاتل را بدست دهند و چیزی که معلومات دارند از روی راستی و حقایق اظهار بدهند تا فیصله بقرار شرع شریف بشود . و اگر قاتل را بدست ندهند بقرار شرع شریف اجرا شود .

(۹) نفری که در راه ما و علاقه لوح میشوند و یا به قتل میرسند - و راه مرور و عبور مختل و مخوف میشود چاره آن گفته شود ؟

فیصله جرگه :

چون تماماً حدودات سمت جنوبی به تقسیمه ما اقوام است اگر در روز و یا شب شخصی در راه عامه و یا در راه های کوه و دشت و غیر راه عامه لوح شده بحدود تقسیمه هر قوم که باشد آن قوم مسئول است که یادزد و فاعل آنرا بدست بدهد یا تاوان مال شخص را که شرعاً اثبات مال خود را بکند یا جریمه سرکار بدهد و اگر شخصی بغیر راه دوشب کدام جای لوح شود که در آن منطقه راه و آبادی نباشد مسئول آن نیستیم .

(۱۰) کسانی که از طرف دوائر حکومت جلب میشوند و رعایت جلب نامه را نکرده حضور بهم نمیرسانند علی العموم بمولودین ۶ ماه حبس و و یا اینکه به عوض آن هزار روپیه جریمه تحویل خواهند داد .

فیصله جرگه :

اگر شخصی از طرف حکومت جلب شد و آن شخص در احضار خود بپلوهی نمود از طرف حکومت عنوانی قریه دار تکت کرده شود و قریه دار علم بیاورد اگر شخص مذکور بخانه بود او را حاضر کند و اگر فرار نموده بود بجلائی شرعی کرده بمرجمش تقدیم کند و قرار ماده (۶) فیصله جرگه تا یک ماه میعاد گذاشته شود اگر شخص جلپی حاضر شد خوب و الا بعد میعاد مذکور مال و جایداد آن ضبط سرکار شود .

(۱۱) اگر بعضی اشخاص بفرض مغلوب ساختن مدعی خود دیگران را رفیق خود ساخته معاوت کنند ازو بازخواست سخت شود واصل مدعی البته اصولاً تحت جزا آمدنی است .
فیصله جرگه :

اگر شخص بفرض مغلوب ساختن مدعی خود دیگران را رفیق خود بسازد که در افتائی (بگر) گفته میشود شخص (بگر) کننده را بحکومت می سپاریم که ازو بازخواست کند و برای رفع این مسائل رای میدهم که مال وهستی شخص بگر کننده و اشخاصیکه به بگر آن داخل میشود تماماً ضبط سرکار گردیده بالای اقوام آن بفروش برسد و چه قیمت آن تحویل خزانه شود .

(۱۲) کسانیکه بیکدختر مروت را خوش کرده اگر چه والی دختران بدادن آن به آن رجال رضاه نداشته میباشد ضمناً صاحبان مطلب تفنگ زده بقوم شایع مینایند که دختر فلاه شخص را گرفتیم - این خلاف شرعی است - و يك مسلمان در بین مملق مانده ضمناً قتل و قتال در بین و اتع می شود يك جزاء به فاعلین آن مقرر شد .
فیصله جرگه :

تفنگ زدن قطعاً موقوف شود اگر کسی غیر حق بالای دختر شخصی و یا بیوه تفنگ بزند که مادر و پدر و برادر و خود دختر و یا بیوه بآن شخص رضایت باشد شخص فاعل آنرا بحکومت می سپاریم که حکومت از آن بازخواست کند و علاوه بران بقرار رای مایان بجهت افتائی جریمه هم ازان شخص گرفته شود و دختر و بیوه فوق التذکره آن شخص داده نشود - دختر و بیوه برضای خودشان و رضای پدر و مادر و برادر شان بر شخصی که رضایت باشند داده شود .

(۱۳) اشخاصیکه بخانه بعضی گوسفند برده بفرض پشپرد مطلب خود ها ذبح کنند باجا این که مراد از گوسفند والا و مالک خانه که یعنی گوسفند را قبول نموده خود را معاوت آن بسازد چه روزه شود اقلأ سه سال محبوس شود .
فیصله جرگه :

چون این قسم ذبح کردن گوسفند خلاف شرع شریف و سیاست حکومت است قطعاً موقوف باشد هرگاه شخصی بفرض پشپرد مطلب خود بخانه دیگری گوسفند بکشد اگر خانه والا بحکومت اطلاع نمود که فلان شخص بخانه من گوسفند کشته و با او معاوت نکرده خانه والا از جزا معاف و شخص که گوسفند ذبح می کند بحکومت

محبوس و ازو بازخواست کرده جرمه گرفته شود و اگر خانه والا ربوت و اطلاع نکرد با آن هم مثل شخص گوسفند ذبیح کننده جزا داده شود .
 (۱۴) اشخاصیکه از طرف مدعی خود ها صدمه دیده بدون ذریعه حکومت انتقام بگیرند عیناً همان جزا بر علیه خود همان شخص تطبیق میشود .
 فیصله جرگه :

اگر شخصی بقتل برسد و یا از مدعی او صدمه او برسد باید ورثه مقتول و یا شخص صدمه دیده فوری بحکومت حاضر شده عرض کند تا حکومت بازخواست کند و اگر اطلاع و عرض نکرد خودش در پی انتقام آن اقدامات کرد و انتقام گرفت از شخص انتقام گیرنده سخت بازخواست کرده شود .
 (۱۵) کسانیکه در بین اقوام مشهور بافساد و هرزه گوی و بد خواه حکومت باشند اقوام باید بدون کم و کاست صورت واقعه و حقیقت آن را - جل شرعی نمایند تا تحت بازخواست شرعی بیایند .

فیصله جرگه اینکه :

اگر شخصی مشهور بافساد دو قومی مایهها شد فوری آن را بحکومت تسلیم کرده - جل شرعی مینمایم و هرگاه شخص مذکور را ما دستگیر کرده نشوانشیم بحکومت اطلاع داده - جل شرعی آن را تقدیم مینمایم ، و از طرف حکومت مال و هسقی آن را ضبط کرده بالای اقوام آن بفروش رسانیده شود و هم هر وقت که خود شخص پیدا و دستگیر شد ازو بازخواست شود .

(۱۶) تجاران کوچی یاغیره تجار اگر اموال لامحصول را بیاورند و ضمناً اقوام کوچی و غیره به آنها به غرض استخلاص معاونت و امداد نماید ؟ از طرف حکومت بازخواست سخت کرده شود تا آینده تجار اموال خود را بلا محصول نگردانند و اشخاص معاونت تجار اقدام نتوانند .

فیصله جرگه :

اشخاصیکه مال تجارت می آورند تماماً محصول مال خود را بگیرند بدهند و اگر بدون محصول گذشته بود مال آن ضبط و از تجار بازخواست هم کرده شود و هرگاه شخصی بغرض

استخلاص مال تجار بانجام معاونت و بارهائائی کند مطابق مال تجار که ضبط میشود از شخص معاونت کننده طور جرعه گرفته شود .
 (۱۷) از اقوام جنوی بعضی اشخاص زن شوهر دار وی شوهر را از خارج و داخل گریختانده میفروشند چون این عمل مذموم و خلاف شرع شریف و طریقه اسلامیت است برای انسداد آن يك تجویز لازم است .

فیصله جرگه اینک :

چون این مسئله خلاف شرع شریف و مقررات اخلاقی است در آینده قطعاً آوردن زن از خارج و فروختن آن ممنوع باشد اگر شخصی زن از خارج آورد و آن شخص سند از حکومت خارجیه داشت که این زن رضای خود به نکاح او داخل شده از جزاء و باز خواست معاف است والا نداشت فری آن شخص را بحکومت می سپاریم که محبوس کرده از آن باز خواست شدید کرده شود و زن پس بخارج روان شود .

(۱۸) در خصوص اینک بعضی اشخاص می خردند یا بقتل میرسانند مگر به سبب اینک او از خطر ه خلاص باشد يك شخص ضعیف و بیس - تمید و معروب را خواه برضا خواه بدادن پول و اداری سازد که صدای قتل را کرده بدمه خود بگیرد .

فیصله جرگه اینک :

حکومت اصل شخص مدعی را گرفته و بقرار امر شرع شریف جزا برایش بدهد و اگر شخصی دیگر بغرض صدا کند به شخص صدا کننده هم سخت جزا داده شود .
 (۱۹) پیش نهاد و کلای جرگه : در خصوص محصلان که از طرف حکومت الای اهالی رسماً مقروض میشود . نتیجه اتفاق آراء جرگه اینک :

محصلی محصلان علاوه بر خوراکهشان از بیاده فی تقریم افغانی و از سوار فی تقریک افغانی داده شود و نان چیزی که صاحب خانه برای محصلان بیاورند در آن قناعت کرده علاوه بر قدرات آن محصلان تقاضا نکنند اگر کرده بودند بحکومت مراجعت شود تا بازخواست کرده شود .
 (۲۰) پیشنهاد و کلاه که قرار ذیل در جرگه فیصله شده :

اهالی هر قریه قریه داران خرد قریه باید مربوط باشد که بعضی قریه از قریه دار خود نارضا بود

بھکومت مراجعت کند تا از جمع قریہ داریکہ با آن نارضاست خارج و بجمع دینار قریہ داودر خود قریہ بستہ شود با مالیات این چنین اشخاص در دفتر حکومت بنام خودش داخل و قطعہ برات شود اہالی یکقریہ بجمع قریہ دار دیگر قریہ قطعاً بستہ نشود .
پیشنہاد و کلاہ کہ قرارذیل در جہرگہ فیصلہ شدہ :

(۲۱) سرتک کہ از طرف حکومت تأسیس میشود ما اہالی تماماً با حکومت در ساختن آن ممانعت نمیکنیم مگر بعد آبادی سرتک از طرف حکومت فی کرویہ سہ نفر مقرر شود کہ ترمیم و آب پاشی سرتک را بدارند .

۱ : وکلای اقوام جایی :

مہر عباس خان قریہ دار ، مہر عبدال خان جرنیل ، مہر ملک نانی خان ، مہر ملک باگی خان ، مہر خان محمد خان ، مہر احمد گل خان ، مہر گیت خان ، مہر گل شاہ خان ، مہر امین شاہ خان ، مہر عبدالرحمن خان ، مہر افریدی خان ، مہر فتح خان ، مہر دین محمد خان ، مہر حکم خان ، مہر مراد خان (مہر علی) ، دستخط محمد ظریف خان جایی بطلہ ، دستخط عبدالقدیر خان .

۲ : وکلای جدران :

دستخط مزوک خان نائب سالار ، مہر سلطان محمد خان ، مہر میرو خان فرقہ مشر ، مہر اختر محمد خان فرقہ مشر ، مہر میر علم خان ، مہر بلند خان ، مہر تاج محمد خان ، مہر مشکی خان ، مہر امیر محمد خان ، مہر گلچانخان ، مہر علیشاہ خان ، نشان شصت اکرم خان ، مہر پیر زادہ خان ، مہر خان امیر خان ، مہر منگس خان ، مہر خانگی خان ، مہر آدم شاہ خان ، مہر میرک خان ، مہر شاہ وزک خان ، مہر مقام دین خان ، مہر میر حسین خان ، مہر خان امیر خان ، مہر گل خان ، مہر اللہک خان ، مہر جمیل خان ، مہر پہلوان خان ، مہر عادل گی خان ، مہر وضاء خان ، مہر حبیب خان ، مہر اعظم شاہ خان ، مہر نظیر خان ، مہر عقل الدین خان ، مہر گل سیدار خان ، مہر گل محمد خان ، مہر بغیر خان ، مہر محبت خان ، مہر میرا جانخان ، مہر جنت خان ، مہر گل اعظم خان ، دستخط ملا صاحب داد ملا صاحب گنجان ، مہر سبین گل خان ، مہر ریدی گل خان ، مہر میدہ خان ، مہر خانہ گل خان ، مہر علی محمد خان ، مہر آدم خان ، مہر میادی خان ، مہر حاجی سلیم خان ، مہر علیشاہ خان ، دستخط حکیم خان ، نشان شصت انا گل خان .

۳: وکالی احمد زائی :

مہر خدا بدوست خان ، مہر علی محمد خان ، مہر احمد زائی خان ، مہر آزاد خان ، مہر عبدالعزیز خان
مہر غلام رسول خان ، مہر غلام محمد خان ، مہر عیسیٰ خان ، مہر جان خان ، مہر شیر گل خان
: وکالی چکنی و توابعات آن :

مہر شہاب الدین خان ، مہر محمد اسلم خان ، مہر حضرت گل خان ، مہر عزیز خان ، مہر خسو خان
مہر حضرت گل خان ، مہر سرور خان ، مہر زرغون خان ، شصت محمود خان ، مہر علم گل خان
مہر سید محمد خان ، دستخط مولوی پیدر محمد خان ، دستخط عبدالباقی خان ، دستخط اعلیٰ محمد خان .
: وکالی زرمئی :

مہر فیض محمد خان ، مہر محمد اسلم خان ، مہر نظر محمد خان ، مہر غلام محمد خان ، مہر عیسیٰ خان
دستخط جہان محمد خان ، دستخط بازو خان ، دستخط عبدالغفار خان ، دستخط میا داد خان ، دستخط نیک محمد خان
شصت گلخان ، شصت سید خان ، شصت عبدالرحمن خان ، دستخط محمد نسیم خان ، دستخط لاسید نظر خان
شصت محمد جان خان ، دستخط گلدار خان ، دستخط خان محمد خان ، شصت نازک خان ، شصت جمعہ گل خان
شصت علاو الدین خان ، شصت دوست محمد خان ، شصت نیک خان ، غلام نقشبند خان .
: وکالی گردیزی :

مہر محمد علم خان ، مہر نصر اللہ خان ، مہر محمد یعقوب خان ، دستخط محمد قیوم خان
دستخط سید انور شاہ خان ، مہر جلال خان .

۷: وکالی اقوام درہ وزاہو و بیو زائی :

مہر نیاز محمد خان ، مہر طوطی خان ، مہر وزیر محمد خان ، مہر گل محمد خان ، مہر پیدگل خان
مہر سیف الدین خان ، شصت مستو خان ، شصت سید محمد خان شامک بلو زائی .

۸: وکالی اوگونی و خروقی :

مہر نظر محمد خان ، مہر عیسیٰ خان ، مہر گل محمد خان ، مہر مؤمن شاہ خان
مہر یاد شاہ خان ، دستخط مہر جان خان .

بقیہ وکالی احمد زائی مہر روزہ دین خان ، مہر نظر محمد خان ، دستخط عبدالرحمن خان ، دستخط
عصمت اللہ خان ، دستخط جلال الدین خان ، دستخط شہنواز خان ، دستخط خان محمد خان ، دستخط محمد عزیز خان

دستخط خان شیرین خان، دستخط دین محمد خان، دستخط عبدالقادر خان، دستخط ملا محمد ایوب خان
دستخط حقیر گل خان، دستخط گل محمد خان، دستخط امیر محمد خان .
۹: وکالی منگیل .

مهر جان شک خان، مهر شیرخان، مهر افضل خان، مهر مهربان خان، مهر جانمندان، زمانخان
مهر گل امک خان، مهر صراحی خان، مهر انصراب خان، مهر جانبدل خان، مهر نقول خان
مهر محرم خان، شصت لنگ خان، شصت محبت خان، شصت وانک خان، شصت تازه گل خان
شصت محمد گل خان، شصت پیران خان، شصت حاجی گل خان، شصت عبدالرحمن خان
شصت ظریف گل خان، شصت محمد نوو خان، شصت مسلی خان، مهر سلام خان، مهر
کنجک خان، مهر سرو خان، مهر عجب دین خان، مهر شال خان، مهر صاحب خان، مهر غنچه خان
مهر محمد عزیز خان، مهر حلیم خان، مهر زمان شاه خان، مهر میرجان خان، مهر نینو خان
مهر گلان خان، مهر نعمت نوو خان، مهر گیلو خان، مهر عزت خان، مهر آیدو خان
مهر خانه گل خان، مهر ملک محمد شریف خان .
۱۰: وکالی طوطا خیل .

مهر امیر محمد خان، مهر بهرام خان، مهر غلام محمد خان، مهر محمد گل خان، مهر محمد جانخان
مهر لعل خان، مهر صاحب جانخان، مهر محمد خان، مهر انصراخان، مهر نیاز محمد خان، مهر گل محمد خان
مهر درانی خان، دستخط بادوشاه خان، دستخط حبیب الله خان، مهر گل محمد خان، نشان
شصت لعل محمد خان، ملک رحم الدین خان، مهر گل محمد خان، مهر جانبدل خان .
بقیه ارگونی و خرونی :

دستخط محمد گلاب خان، دستخط عبدالله خان، دستخط محمد نواب خان متک، دستخط بدین پور شاه خان
دستخط جلالت خان، دستخط عبدالحمید خان دستخط بیک محمد خان، مهر سلطان محمد خان
شصت محبت الله خان، شصت جان محمد خان، شصت اولیا خان، شصت پرخان، شصت انار شاه خان
شصت امراخان، شصت میاخان، شصت فضل محمد خان، شصت محمد یعقوب خان، شصت راز محمد خان
مهر سیدال خان .

